

## قرار دادن برادر در مخصصه

خطبه ای از کتاب رومیان فصل 14 ایه 10-13



10 پس تو چرا درباره برادر یا خواهر خود قضاوت می‌کنی؟ یا چرا برادر یا خواهرت را تحقیر می‌نمایی؟ همه ما پیش کرسی قضاوت خدا خواهیم ایستاد. 11. زیرا کلام خدا می‌فرماید: «خداوند می‌گوید، به حیات خودم سوگند که همه در برابر من به زانو درآمده با زبان خود خدا را ستایش خواهند نمود.» 12. پس هر یک از

ما باید حساب خود را به خدا پس بدهیم. 13. بنابراین از قضاوت کردن درباره یکدیگر خودداری کنیم و در عوض تصمیم بگیریم که وسیله لغزش یا رنجش در راه ایمانداران نشویم.

در اول کتاب انجیل یک داستان جنایی وجود دارد. نه، این ماجرا بیشتر از یک ماجرای جنایی است، بلی، جنایتی در قبال یک برادر. کتاب انجیل از دلیل این واقعه هیچ چشم پوشی نمی‌کند. دلیل این جنایت حس حسادتی بود که قابیل نسبت به هابیل داشت که او را دشمن و رقیب خود می‌دید. او همیشه در قلب خودش این حس را می‌کرد که چرا چیزهایی که هابیل دارد را او ندارد. او قصد داشت خودش را بالاتر از برادرش ببیند. بخاطر همین حسادت‌ها و بلندپروازی‌ها او باعث می‌شود تا در پنهانی یک نقشه شومی برای برادرش بکشد. و او را به دور از چشم همه می‌کشد و دفن می‌کند. قابیل از آن هدفی که داشت به آن رسیده بود و دیگر تنها برادرش را از روی زمین محو کرد. الان دیگر او می‌توانست فقط خودش را بالاتر از همه قرار دهد و بهترین آدم انزمان باشد. ولی در این میان فقط خدا بود که از ماجرا خبر داشت و به او اجازه این کار را نداد. قابیل قرار بود که مراقب برادرش باشد نه قاضی صادرکننده حکم قتل او. او بایستی می‌دانست که این فقط خدا است که می‌تواند قاضی باشد. چیزی که ما از این داستان انجیل در می‌یابیم این است که این حس قابیل، یکی از خصلت‌های ما انسان‌ها بوده است. از زمان ماجرای این دو برادر ما انسان‌ها همیشه تهدید یا اهانت و یا مورد خشونت قرار گرفته ایم. و در این میان ما نیز هم میلیون‌ها راه را کشف کرده ایم که چه طور آدم‌های دیگر را از جلوی راه مان از بین ببریم. همیشه به خاطر اینکه ما احساس خطری نسبت به برادر و خواهر هابیمان می‌کنیم مجبور می‌شویم که آن‌ها را به زندان انداخته و یا محبوس نماییم. از طرف دیگر، صحبت کردن ما پشت سر افراد دیگر باعث از بین رفتن ارزش شخصیت و جایگاه اجتماعی آنها می‌شود. متأسفانه ما انسان‌ها با همین صحبت هابیمان در خیلی از زمان‌ها باعث بیمار کردن و یا حتی مرگ افراد دیگر می‌شویم. درحال حاضر در کلیسای ما هم از این صحبت‌ها هم رایج شده است مثل اینکه چه کسی لباس ناجوری پوشیده است و یا چه کسی مسئولیت کارهایش را برعهده نمی‌گیرد و یا چه کسی موافق گروه سیاسی غلطی می‌باشد. سوال اینجاست که چرا ما این کارها را انجام می‌دهیم؟ ما از این کارمان چه چیزی می‌خواهیم حاصل مان شود؟ قضاوت کردن دیگران؟ اگر چنین است ما باید نگاهی به ماجرای این دو برادر که در اول انجیل و بعد از تبعید آدم و حوا به زمین بوده است فکر کنیم که نشانگر وجود حسی است که ناکامل بودن انسان را

تاکید می کند. قابیل یک حس وسوسه انگیزی را در برادرش می دید چراکه او خودش از کمبود تکامل و عادل بودن رنج می برد. این امر کاملاً مشهود است وقتی که کسی رابطه اش با خدا قطع باشد چنین می شود. از زمان ماجرای این دو برادر این حس ناعادل بودن را می توانیم در خودمان و هم دیگران بخوبی درک بکنیم. از طرفی قابیل قصد داشت عمل خودش را که همان قتل فجیح برادرش بود را به نحوی توجیح کند. او با این کارش خودش را فریب داده است. چرا که بعد از کشتن برادرش هیچ چیزی در او تغییری پیدا نکرد. همانطور که ما هم تا امروز از کارهایمان چیزی یاد نگرفته ایم. از سال های بسیار زیادی است که انسان ها همدیگر را قضاوت و برای همدیگر حکم صادر می کنند. و در این میان هیچ عدالت و فایده ای خوبی به ارمغان نیاورده اند. بخاطر همین است که عیسی به پیش ما آمده تا خودش را بین ما و خدا قرار دهد. و بجای قربانی کردن کسی، خودش را برای ما قربانی می کند و خودش را برای تمام گناهکاران ریخته است. او برای یک بار و همیشه به ما نشان می دهد که ماها دیگر نیاز به چیزی دیگری نداریم. همان چیزی که شما نمی توانید در مقابل خدا انجام دهید را من برای شما رقم زده ام. و دیگر نیازی نیست که شما دیگران را بعنوان رقیب و دشمن خود ببینید. اینجا بایستی این حقیقت را عنوان کرد که قضاوت کردن افراد دیگر در بین مسیحیان جای ندارد و مخالف عقاید ما هم نیز می باشد. کسی که در پهنای بخشش عیسی مسیح ایستاده است دو چیز مهم را می داند: اول آنکه من در مقابل خدا گناهکار می باشم و دوم اینکه من توسط عیسی زندگی همیشگی خواهم داشت. کسی که این واقعیت را می داند دیگر برادر خودش را قضاوت نمی کند. ولی کسی که این کار را انجام می دهد دیگر در مسیر صلیب عیسی قرار نمی گیرد بلکه او دوباره به جایگاه قابیل باز می گردد. و او قصد ندارد که زندگی کردنش را با عیسی توجیح کند بلکه اعمالش را بواسطه قابیل تلقی می نماید. عیسی برای ما به وضوح این را نشان داده است که ما اجازه قضاوت کردن نداریم. همانطور که پولس هم این امر را دوباره در خطبه امروز تکرار می کند. پولس باید این را همیشه تکرار کند زیرا باز هم در اجتماع ما دعوایی رخ داده است. که این مشاجره نه بخاطر بخشش عیسی مسیح می باشد بلکه سرچشمه آن موضع شخصی دیگری می بوده است. پولس باید این را همیشه تاکید کند که ما همه بایستی یک روزی در برابر قضاوت خداوند بیایستیم. و در آنجا کسی استثنا نمی باشد و هرکس باید جوابگوی اعمال خودش باشد. و هر فرد این را می داند که وقتی در آنجا باید تنها قرار بگیرد چقدر وحشت ناک است. این یک حقیقت است چرا که همه ما می دانیم که عیب کار از کجاست و تمام نقاط ضعف مان را می شناسیم و سرچشمه همه آنها را می دانیم که از کجا می باشند. و این اشتباهات ما با توجیح کردن اعمال زشت تر دیگران برطرف نمی شوند بلکه تنها راه نجات از آنها وکیل گرفتن عیسی می باشد. و باید او را صدا بزنیم. این چه خوش اقبالی هست که عیسی ای که وکیل ما می باشد در همان لحظه نیز قاضی مان هم می باشد. کسی که تمام اشتباهات ما را می بیند و می شناسد. ما نبایستی خودمان را از او مخفی کنیم. کسی که در مقابل ما ایستاده قاضی ای به نام عیسی می باشد که نه برضد ما می باشد بلکه او به طرفداری ما آمده است. او به راحتی به ما اجازه می دهد که با او صحبت کنیم و یکی از برندگان بنده بازگشته او بشویم. در همین حال عیسی در برابر گناهان ما بی تفاوت نمی باشد و از آنها به اسانی عبور نمی کند. بلکه راه مشقت بار او تا صلیب این را به ما نشان می دهد که چه مسیر دشوار و رنج آوری را بخاطر ما طی کرده است. او همچنین همیشه در طرف ما ایستاده است و محبت خودش را همیشه به سوی ما ارزانی می دارد. او در مقابل جایگاه قضاوت خود و با قضاوت عادلانه خودش به ما می فهماند که ما مسیحیان چه گونه انسان هایی هستیم. ما انسان های ازاده و گناهکاری هستیم که به راحتی در مقابل او سخن می توانیم بگوییم. او همچنین در کنار جایگاه عدالت خود به ما می گوید که ما مسیحیان چه نقشی برای انسان های دیگر داریم. شاید در اینجا اینگونه بنظر آید که دیگران برای ما یک حریف و رقیب باشند. نه، اینگونه نمی باشد بلکه ما به همان اندازه ازادی که داریم این محبت عیسی را به آنها هدیه می دهیم. وقتی که من می بینم برادرم یک مشکلی دارد کاری همانند مرغ یک مرغداری که زخم مرغ دیگری را نوک می زند را انجام نمی دهم. بلکه من سعی می کنم از هر چه در توان دارم برای بهبودی او بکار گیرم همان کاری که عیسی برای ما انجام داد. برادر و خواهرهای خودمان را به یک اندازه و عادلانه کمک و تقویت کنیم. عملی که عیسی به همان جهت ما را فراخوانده است. ولی این به این معنی نیست که ما همیشه چشمان مان را بر روی خطاهای دیگران ببندیم و به آنها بی اعتنا باشیم. بلکه وقتی که ادم در این موقعیت ها سکوت می کند امکان بدتر شدن عواقب آن نیز وجود دارد که در قلب انسان ها نفوذ پیدا می کند. وقتی که پولس این سخنان را می گوید که قضاوت کردن ممنوع است منظور او این است که

کسی که این کار را انجام می دهد چیزی از بخشش عیسی نشنیده و دیگران را قصد دارد تحت فشار خودش قرار دهد. در این جا عیسی قضاوت کردن انسان ها را بدین گونه توضیح می دهد: آیا یک فرد نابینا می تواند شخص نابینای دیگری را راهنمایی کند؟ آیا هر دوی آنها به چاله نخواهند افتاد؟ این ماجرا دقیقا برای یک ادمی که قویتر از شخص دیگری است و میل به نابود کردن او را دارد را نیز صدق می کند. او در اینجا نگاه خودش را از روی عیسی برگردانده است و برای همین او برادرش را به نیستی می کشاند. ما که با عیسی هستیم یک دید روحانی از او دریافت می کنیم که با آن دیگر دیدمان به طرف خطاهای دیگران نمی رود بلکه آنها به سمت اشتباهات خودمان معطوف می گردند. عیسی به من این آزادی را می دهد تا من به اسانی اشتباهات خودم را تصحیح کنم و او مرا از همه این پریشانی ها رهایی می دهد تا من نیز با رویی باز به استقبال دیگران بروم. ما این را به خوبی می دانیم که در شرایطهای مختلفی و بدلائل زیادی ما عیسی را صدا می زنیم تا در این زمینه به ما کمک نماید.

ای عیسی به ما از سر بخشش خودت یاری برسان تا بتوانیم زندگی خوبی داشته باشیم. به ما در جاهایی که ضعف داریم کمک بنما و ما را قویتر بساز. و مشکلات و گرفتاری های ناگهانی مان را در زمان مناسب یاری بنما. ما را از قضاوت کردن محافظت بفرما.

آمین